

از ادامه انتشار روزنامه

«جهان صنعت» جلوگیری شد

شرق: فعالیت روزنامه «جهان صنعت» پس از انتشار سه شماره از زمان رفع توقیف موقت، مجددا متوقف شد. بنا بر گزارش رسانه‌ها، این توقف فعالیت بابت «عدول سرپرست مجتمع قضائی شهید بهشتی از موافقت» و «اظهارنظر ریاست محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت» بوده است.

صفحه ۱۰

سرمقاله

چین؛ واسطه استراتژیک



کیومرث اشترینان

اگر چین و روسیه به واسطه استراتژیک ایران با جهان تبدیل شوند، ما کاملا به بازیگر منفعل و بی‌بهره در روابط بین‌الملل تبدیل می‌شویم؛ ابتکار عمل و بلکه استقلال خود را از دست می‌دهیم. پیش‌ازاین هم گفته بودم خاصیت واسطه استراتژیک این است که دست ما را در برابر رقبای منطقه‌ای‌مان یعنی عربستان و اسرائیل می‌بندد. در واقع این دو را قادر می‌کند که برای امنیت خویش به دشمن ایران وابسته نباشند؛ بلکه به «دوست» ایران وابسته باشند. هفته گذشته چین و عربستان ۳۴ قرارداد همکاری امضا کردند و در بیانیه پایانی خود بر این امور تأکید کرده‌اند: «پایبندی گروه انصارالله به آتش‌بس، تضمین مسالمت‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران، تأکید بر ضرورت همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تأکید بر عدم دخالت ایران در امور داخلی کشورها و…»، ما نمی‌توانیم از درون حصارى خودساخته از سیاست داخلی و خارجی با دیگران ارتباط برقرار کنیم؛ حتی با چین و روسیه. چون ظرفیت آن را نداریم. خوب دقت کنید! برای اینکه بتوانید روابط اقتصادی با دنیا (و ازجمله با چین و روسیه) را توسعه دهید، باید ظرفیت پایدار بین‌المللی ایجاد کنید. درست است که با نوعی محاصره غرب‌ساخته مواجهیم؛ اما این محاصره یک راه‌حل تاریخی دارد. یعنی باید یک فرایند تاریخی برای ورود به این عرصه را پی‌ریزی کنید؛ والا در همه زمینه‌ها می‌بازید.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

لطفا اجرای قانون



کامبیز نوروزی

حقوق دان

۱- چندی پیش آقای رئیس قوهٔ قضائیه در پاسخ به نمایندگانی که خواستار برخورد غلیظ و شدید قوه قضائیه با کسانی که اغتشاشگر نامیده‌اند، شده بودند، گفت: «از من اجرای قانون را بخواهید. محسنى اژه‌ای در میان اغلب کسانی که تاکنون ریاست قوه قضائیه را داشته‌اند، کسی است که همه سابقه طولانی کاری‌اش را در دستگاه قضا گذرانده و در دادرسرا و دادگاه‌ها فعالیت قضائی داشته است. به واسطه این تجربه طولانی حرفه‌ای، نگاه، بیان، ادبیات و شیوه برخورد ایشان با مسائل مختلف بسیار بیش از اسلافش قضائی، حقوقی و دقیق است. به همین دلیل آن جمله کوتاه وی خطاب به نمایندگانی که خواستار شدت عمل نسبت به معترضان بودند، از این جهات جای تأمل دارد که ایشان تأکید بر اجرای قانون دارد، نه هر شدت عمل و هر نوع حکم سنگین.

۲- اعدام محسن شکاری از یک سو انتقادهای حقوقی، قضائی و سیاسی متعددی را برانگیخت، اما از سوی دیگر عده‌ای نیز به طرقداری از رای و سپس اعدام شکاری زبان گشودند و گاه با تعبیری همچون «قاطعیت دستگاه قضا» از این اعدام استقبال کرده و از آن تمجید کردند. حتی برخی یا از فراتر گذاشته‌ش و از «برزنگر»شدن روند آرا و مجازات مشابه سخن گفتند و مستقیم و غیرمستقیم وعده اعدام‌های بیشتر دادند. ۳- واژه قاطعیت هرجا معنی داشته باشد، در کار قضائی معنا و مفهومی ندارد؛ اگر هم مفهوم داشته باشد، این مفهوم منحصر است در قاطعیت در اجرای دقیق و درست قانون. مثلا اگر افراد بانوذی از یک متهم حمایت می‌کنند یا می‌خواهند علیه او اقدام کنند، مقام قضا یا اتکا بر قانون در برابر آنها بایستد، نفوذ نپذیرد و در اجرای قانون قاطع و مصمم باشد. کار قضائی مشمول قوانین امری متعددی است که مرجع قضائی ملزم به رعایت آنهاست و نمی‌تواند از آنها سربلچی کند. یک بازپرس یا یک قاضی اگر متهمی را گناهکار تشخیص ندهد، باید او را مرابرا از اتهام اعلام کند. یا اگر او را مجرم دانست، طبق قانون، نه بیشتر، درباره او تصمیم بگیرد، قرار صادر کند یا رای بدهد. اگر مقصود او واژه قاطعیت تعیین مجازات‌هایی سنگین‌تر از مجازات قانونی، عدم رعایت مهلت‌های قانونی برای متهم یا عدم رعایت حقوقی مانند حق انتخاب وکیل و مانند اینها باشد، طبعاً کار از حدود کار قضائی بیرون خواهد رفت.

۴- برخلاف تصور غیرتخصصی، طولانی‌شدن سیر یک پرونده نشان‌دهنده جدیت و استواری در امر قضااست. شاید نتیجه نهایی یک محاکمه صدور رای به محکومیت و مجازات متهم باشد. ولی مأموریت و وظیفه دادگاه، مجازات افراد نیست. وظیفه دادگاه‌ها اجرای قانون و محاکمه عادلانه است، حال نتیجه محاکمه برائت یا محکومیت متهم باشد. وظیفه دادگاه‌ها شدت عمل نسبت به متهم نیست. دادگاه باید اگر متهم را گناهکار دانست، همان مقدار مجازات بدهد که قانون تعیین کرده است. وظیفه دادگاه این نیست که طرف مدتی کوتاه، محاکمه را تمام کند و رای بدهد.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ • ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۰ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

نگاهی به سیاست‌های عربستان برای شکل دادن به رویکردهای تقابلی علیه ایران و هم‌زمان فضاسازی‌های مثبت دیپلماتیک

ترفندهای سعودی

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



فلاحت‌پیشه، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس؛ دیدار خاتمی با «فرمانده ناتو» دروغ است

«اتهام‌زنی» به افراد

پیگرد ندارد!

«مرحوم فیروزآبادی در سال ۸۸ در کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت سیدمحمد خاتمی در حوادث ۸۸ با فرمانده ناتو دیدار داشت و از آنها خواست کار ما در داخل که جلورفت، متا وارم شویده؛ این جدیدترین ادعای جواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی است. البته اظهارنظرهایی از این دست از سوی تندروها کم نیست که اصولا هم تکذیب می‌شوند؛ اما این تکذیب‌ها منجر به واقع‌گویی نشده‌اند. برای نمونه اتهامات مکرر شریعتمداری که با تکذیب‌های مکرر همچنان بیان می‌شود.» آقای خاتمی دو بار با جورج سوروس (سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی و پشتیبان و تأمین‌کننده مالی فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸) ملاقات داشته است؛ این اظهارات تکراری حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در رابطه با جنجال قدیمی‌اش با محمد خاتمی است. ادعایی که بارها از سوی سیدمحمد خاتمی و وکیل‌شان بی‌اساس خوانده شده، ولی حسین شریعتمداری همچنان روی این ادعا استوار است. هرچند نه مدرک و سندی تاکنون در این زمینه منتشر کرده و نه شکایت از او به جایی رسیده است. اکنون نیز ادعای کریمی‌قدوسی تکذیب شده است.

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

مسکن ملی از دیدگاه کارشناس و سیاست‌مدار



محمود اولاد

اقتصاددان

وزیر جوان انقلابی در زمان اخذ رای اعتماد و در پاسخ به سؤال نمایندگان مبنی بر برنامه ساخت چهار میلیون مسکن، پاسخ داده‌اند که این کار به منابعی به اندازه دو برابر بودجه نیاز دارد. با این جمله، به نوعی بر امکان‌ناپذیری ساخت یک میلیون مسکن در سال و چهار میلیون مسکن در چهار سال ادغان کرده‌اند. گروهی از کارشناسان و متخصصان از این موضوع به بازگشت به عقلانیت یاد کرده و نشان از درایت سیاست‌گذار تعبیر کرده‌اند؛ اما آنچه کارشناسان اقتصاد شهری و مسکن درباره ضرورت و چنودچون ساخت یک میلیون مسکن می‌گویند، با آنچه سیاست‌گذاران قهیمیده و گفته‌اند، تفاوتی از زمین تا آسمان دارد. در تحلیل آنان، اگر به هر طریقی، منابع ساخت مسکن تأمین شود، ساخت یک میلیون واحد آغاز می‌شود؛ اما در تحلیل کارشناسان، اصلا موضوع اصلی تأمین بودجه آن هم از نوع دولتی نیست!

تا قبل از مسکن مهر، مگر کسی مسکن نمی‌ساخت؟ مگر برای ساخت صدها هزار مسکن در سال، در دهه ۷۰ و دهه ۸۰، بودجه صرف می‌شد؟ کشور در دوره‌هایی تجربه ساخت ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سال را داشته است. اگر ساخت یک میلیون واحد مسکونی، نصف بودجه کشور را نیاز داشته باشد (چهار میلیون واحد مسکونی، دو برابر بودجه کل کشور منابع نیاز دارد!)، دراین‌صورت، ۵۰۰ هزار واحد هم ۲۵ درصد بودجه را نیاز خواهد داشت؛ با توجه به اینکه کمتر از ۲۰ درصد بودجه، عمرانی است که در عمل با تخصیص پایین به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد، همین ۲۵ درصد هم بسیار بالاست و قاعدتا نباید امکان ساخت وجود می‌داشت! اما با کمترین دخالت دولت این حجم ساخته می‌شد. حتی در دوره هشت‌ساله احمدی‌نژاد هم، که بیش از پنج میلیون واحد مسکونی ساخته شد، تنها اندکی بیش از یک میلیون واحد آن مسکن مهر بود (کل مسکن مهر ۲۰۲ میلیون واحد بود که بخش زیادی از آن در دوره روحانی ساخته شد. ضمن اینکه نزدیک به نصف مسکن مهر هم، خودمالکی و ساخت از طرف مالکان بود)، اما چطور این میزان ساخت‌وساز، با کمترین منابع دولتی ساخته می‌شد؟ پاسخ این است که تأمین مالی سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی در قضایی که رشد اقتصادی و چشم‌انداز مثبت برای تداوم آن وجود داشت و ریسک سرمایه‌گذاری بسیار پایین بود، چنین امکانی را فراهم می‌کرد. حتی در دوره احمدی‌نژاد، با وجود شروع تحریم‌ها، به دلیل قیمت بالای انرژی و نیز امیدواری مردم به امکان‌پذیری برگشت به عقلانیت و رفع تحریم‌ها و نیز فضای رانتی سرمایه‌گذاری در مسکن که به واسطه جریان حاکم بر مدیریت شهری در سایه منابع نفتی ایجاد شده بود، جریان سرمایه‌گذاری استمرار داشت. از سوی تقاضا نیز، قدرت خرید کافی برای خانوارها برای ایجاد تقاضای مؤثر وجود داشت.

ادامه در صفحه ۵

حکایت یک عمر عاشقانه زیستن با بلوچ‌ها

گیتی صفرزاده: این روزها به دلایل سیاسی زیاد اسم سیستان‌وبلوچستان و مردمانش را می‌شنویم؛ اما سال‌ها پیش مردی بود که زیاد از سیستان‌وبلوچستان می‌گفت، با نگاهی انسانی. البته اگر حرف او را همان زمان می‌شنیدیم و تلاشی را که برای نشان‌دادن تصویر زندگی این مردم ثبت کرد، درک می‌کردیم، این روزها نیازی نبود…

صفا ۱۲

مصفا ۱۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ایران بدون یزدانی در آمریکا به دنبال چیست؟ گزارش «شرق» از واکنش مقامات داخلی کشور در قبال موضع‌گیری چین در سفر به عربستان سعودی و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، مهدی علیخانی

دفاع از اتوبوس خوابی برای دیده‌نشدن خبر بیخ‌زدگی در خیابان

سیاه‌نمایی یا تلنگر؟

۱۰

دلیلی برای استعفای کی‌روش وجود ندارد

۹

گزارشی از مشکلات موجود در بیمارستان‌ها

۱۰

معامله لوازم شخصی با غذا

۴

بررسی کتاب «توهم فراآتلانتیک» نوشته یوزف برمل

دست خالی اروپا

جرا آلمان توان تسلیحاتی خود را تقویت می‌کند؟

۱۱

یادداشت

سلب‌ریتی‌ها همین‌اند که می‌نمایند



محمد مهاجری

با ناسزا و بدویبراه گفتن به سلب‌ریتی‌ها دنبال چه منفعتی هستیم؟ اینکه از صبح تا شب بوق دست بگیریم که سلب‌ریتی‌ها بی‌سوادند، هنجارشکن‌اند، مفت‌خورند، نمک‌نشناس‌اند، خودبیسند و خودپرست‌اند، چه سودی می‌بریم؟ چنان می‌گوییم آنها بی‌سوادند که انکار خودمان حکیم کامل و عقل کل هستیم! وانگهی مگر از سلب‌ریتی‌ها چه توقعی داشته‌ایم؟ قرار بوده آنها امام جماعت باشند؟ مصلح اجتماعی و ناصح مردم باشند؟ نجات‌بخش مردم باشند؟ حلال مشکلات و مرهم زخم‌های جامعه باشند؟ اگر چنین توقعاتی داشته‌ایم، خودمان را سر کار گذاشته بودیم. سلب‌ریتی‌ها خودشان چنین ادعایی ندارند و این‌س کارکردها را در خود نمی‌بینند. این ما بوده‌ایم که انتظارات بی‌جا درست کرده‌ایم و چون برآورده نشده، خود را مجاز می‌دانیم که هرچه از دهنمان درآمد به آنها بگوییم.

ما نه‌تنها نباید طلبکار سلب‌ریتی‌ها باشیم، بلکه به آنها بدهکاریم! بله، بدهکار. چرا؟ چون هر وقت دلمان خواست از آنها استفاده ابزاری کردیم و وقتی به هدفمان رسیدیم، بی‌خیالشان شدیم. سلب‌ریتی‌ها عالم خودشان را دارند. فالورداشتن جذاب است، همین که وقتی چیزی می‌نویسند یا عکسی منتشر می‌کنند و هزاران نفر آن را لایک می‌کنند برایشان دلپذیر است. اگر مثلا فلان سیاست‌مدار یا وزیر یا وکیل یک هزارم بهمان سلب‌ریتی فالورر ندارد، باید کار به حسادت‌ورزیدن بکشد؛ باید آنها را درک کرد و با سبک زندگی‌شان آشنا شد. آنها مثل خودشان زندگی می‌کنند، فرهنگ و آداب خودشان را دارند و چه‌بسا با ما تفاوت‌های زیاد داشته باشد.

واقعا چه اصراری است که از آنها اپوزیسیون بسازیم؟ و هلشان کرده‌بیم به سمت مخالفان نظام؟ و بعدش کاسه «چه کنم» دست بگیریم و دنبال علاج بگیردیم؟ فرض کنیم که آنها به‌سرعت تحت تأثیر جو قرار می‌گیرند و احساساتی می‌شوند. حُخ این ویژگی که نباید تمان را بلرزاند، اتفاقا این خصوصیت سلب‌ریتی‌ها از آنها میزان‌الحراره‌ای ساخته که می‌توان آن را به‌مثابه سیگنال‌های بخشی از جامعه مورد توجه قرار داد. سلب‌ریتی‌ها هرچه باشند فرزندان ایران هستند، در این کشور زیست کرده‌اند و از امکانات آن بهره برده‌اند و به هر دلیل از جمله قابلیت‌های شخصی‌شان توانسته‌اند وجهتی به دست آورند. حتی اگر از رانت استفاده کرده باشند، بیش از بقیه نبوده است. اینکه دائما توی سر آنها بگوییم که آنچه درآمد داشته‌اید کوفتان بشود، پولی ازش درمی‌آید؟ آنها را در جامعه بی‌حیثیت و کم‌آبرو می‌کنند؟ گیریم که بی‌حیثیت شدند، حیثیت آنها به حساب ما واریز می‌شود؟

ادامه در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۵